



خداجویی و خداپرستی امری فطری است و هدف اصلی انبیاء الهی نیز که جملگی بشیر و نذیر بوده‌اند، احیای فطرت، فراهم نمودن زمینه‌های رشد و به کمال رسانیدن فضایل اخلاقی انسان بوده است.

بدون تردید همهٔ کودکان بالفطره استعداد پذیرش و انجام تکالیف مذهبی را دارند، اما آنچه که مهم است، چگونگی روش‌های ارائه و عرضهٔ آئین الهی است. به دیگر سخن اگر ما بتوانیم کودکان را به نحو شایسته و مطلوب در معرض مشاهده و یادگیری رفتارها یا تکالیف مذهبی قرار دهیم، مسلماً آنها به طور طبیعی و با احساس و رضایت قلبی، آن رفتارها را خواهند آموخت، چرا که اگر نیکو بنگریم مذهب عاملی است در جهت تأمین نیازهای فطری انسان و نماز، کامل‌ترین پاسخ به عالی‌ترین نیاز انسان است.

از دیدگاه روانشناسان و مربیان تعلیم و تربیت، احساسات و عواطف مهم‌ترین نقش را در تکوین شخصیت، تنظیم هدف‌ها و برنامه‌های زندگی و روابط فردی و اجتماعی انسان‌ها دارند و پرورش احساس مذهبی کاری ظریف و حساس و در عین حال بسیار ساده و آسان است.

هرگاه شناختی که انسان نسبت به پدیده‌ها و مسائل مختلف پیدا می‌کند، توأم با احساسات ناخوشایند و نامطلوب باشد، نتیجه‌ای جز به وجود آمدن نگرش منفی و دلزدگی و بی‌زاری روانی و بازدارنده به همراه نخواهد داشت، که تغییر چنین نگرشی نیز مستلزم تلاش بسیار خواهد بود.

بنابراین در تعلیم و تربیت به‌طور اعم و تربیت مذهبی به‌طور اخص و بویژه در دوران کودکی و نوجوانی، توجه به نقش خوشایندی احساس نسبت به امور مورد نظر بسیار مهم و تعیین کننده است.

با توجه به اهمیت وجود احساس مذهبی در کودکان و نوجوانان، در این نوشتار سعی می‌شود به نمونه‌هایی

از روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز اشاره شود.

پرواضح است که این نوشته فقط می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به چنین مبحث مهمی باشد و تکمیل آن نیازمند مطالعه بیشتر خوانندگان محترم می‌باشد.

خانواده و پرورش احساس مذهبی

غالب رفتارهای انسان براساس یادگیری استوار است و اولین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری، کانون گرم خانواده است، زیرا خمیر مایه شخصیت انسان در خانواده تکوین می‌یابد و نگرش‌ها، رغبت‌ها، رفتارهای خوشایند و ناخوشایند نسبت به پدیده‌ها و رفتارهای مختلف، از خانه سرچشمه می‌گیرد و هر بذری که والدین در صفحه دل فرزند خود بکارند، محصول همان بذر را برداشت خواهند کرد. علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «صفحه دل نوجوان همچون زمین مستعدی است که هیچ گیاهی در آن نروییده و آماده هر نوع بذر افشانی است».

برخی از روان‌شناسان می‌گویند: «کودک در ۵ تا ۶ سالگی نسخه کوچک نوجوانی است که بعداً خواهد شد». البته آنان هرگز نمی‌خواهند منکر تأثیر تربیت در دوره جوانی شوند، بلکه می‌خواهند بر نقش و اهمیت حیاتی تربیت در خانواده تأکید کنند.

از دیدگاه روان‌شناسی تربیتی بسیاری از رفتارهایی را که در نوجوانان و جوانان مشاهده می‌کنیم، نظیر: کمرویی، پرخاشگری، بی‌رغبتی نسبت به نماز و روزه و یا برعکس: شادابی و سرزندگی، فعالیت و سازندگی، عشق به اقامه نماز و اهمیت دادن به احکام مذهبی، غالباً متأثر از تجارب تربیتی کودک قبل از ورود به مدرسه است.

همه وجود کودکان مملو از سؤال است، سؤال از چرایی‌ها و چگونگی‌ها، اما همیشه و همه کودکان سؤالاتشان را به زبان نمی‌آورند. بسیاری از سؤالات کودکان را باید در سیما و چشمان نظاره‌گرشان جستجو نمود. به بیان دیگر حقیقت‌بین بودن حکم می‌کند که همواره به گونه‌ای باشیم که گویی نگاه ما، سخن ما و رفتار ما پاسخی است به سؤال و نیاز نهفته فرزندانمان و سرمشقی است برای مشق و درس چگونه زیستنشان.

برمبنای آنچه گفته شد باید زیباترین و خوشایندترین اوقات کودکان و نوجوانان در کانون خانواده، زمانی باشد که بزرگترها، بخصوص پدر و یا مادر آماده اقامه نماز می‌شوند و با چهره‌ای متبسم و مهربان به نماز می‌ایستند، گویی گمشده‌شان را یافته‌اند، آرام و با صلابت، متین و مطمئن و استوار با خدای خود سخن می‌گویند و برای ماندن بر صراط حق دعا می‌کنند.

هنگامی که کودکان بارها و بارها چنین حالات زیبایی را در والدین خود مشاهده کنند، در روانشان احساسی بسیار لطیف و خوشایند جلوه‌گر می‌گردد و به نماز و نمازگزار، مکان و حالات و نماز علاقه‌مند می‌شوند. بنابراین والدین باید لطیف‌ترین و عارفانه‌ترین حالات و زیباترین صورت را در نماز داشته باشند تا زمینه اشتیاق به نماز در فرزندانشان فراهم شود.

تقویت احساس مذهبی از طریق یادگیری غیرمستقیم

پایدارترین و در عین حال خوشایندترین یادگیری‌ها، یادگیری غیرمستقیم یا مشاهده‌ای است. در این نوع یادگیری، یادگیرنده مطابق رغبت‌ها و انگیزه‌های خود، آگاهانه و بدون هرگونه جبر و فشار روانی، همه حواس خود را متوجه رفتار مورد نظر می‌کند و با نوعی احساس خوشایند و عاری از دشواری با الگوگیری از الگوهای رفتاری بر دانسته‌ها و تجارب شناختی خویش می‌افزاید. هر قدر الگوهای بزرگسال برای بچه‌ها مطلوب‌تر و محبوب‌تر باشند، میزان تأثیرپذیری بیشتر و پایدارتر می‌شود. بچه‌ها رفتار الگوهای مطلوبشان را بسیار دوست می‌دارند و مایلند که با آن همانندسازی کنند و رفتاری همسان رفتار الگوهای خود داشته باشند. بچه‌ها هر قدر بیشتر پدر، مادر، دایی، خاله، عمه، عمو و معلم خودشان را قلباً دوست داشته باشند، به صورت ارادی و غیر ارادی تلاش می‌کنند که رفتاری نظیر رفتار آنها داشته باشند و یا به گونه‌ای بیندیشند، بگویند و عمل نمایند که مورد توجه و تأیید آنها باشد. این امر یک گرایش کاملاً طبیعی و فطری است. لذا اگر پدر، مادر و معلم مشتاقند که فرزندان و شاگردان؛ باورها و رفتارهای مطلوب آنها را مورد توجه کامل قرار داده، وجودشان متصف به ویژگی‌های مورد نظر بشود، باید در درجه اول همواره سعی کنند که رفتارشان محبت‌آمیز باشد تا قلوب آنان را تسخیر نمایند، زیرا هر اندازه پیوندهای عاطفی میان ایشان بیشتر باشد، همانندسازی‌ها افزون و افزون‌تر می‌شود. در این شرایط دیگر نیاز چندانی به پند و اندرز و موعظه مستقیم نخواهد بود.

زمانی که نوجوانان الگوهای رفتاری مطلوب خویش را در شرایط و موقعیت‌های مختلف در حالت اقامه نماز مشاهده می‌کنند، احساس خوشایندی سراسر وجودشان را فرا گرفته، عمیقاً نسبت به رفتار آنها کنجکاو می‌شوند و با توجه به این‌که خود فطرتی مستعد و نیازمند نیایش دارند، با شور و شوق و احساسی زیبا و توصیف‌ناپذیر به نماز می‌ایستند.

تعظیم و تکریم نماز توسط الگوهای رفتاری

اگر الگوهای رفتاری بزرگسال برای ارزش‌ها و شعایر مذهبی، بخصوص نماز اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شوند، و در این اندیشه پایدار و ثابت‌قدم بمانند، کودکان و نوجوانان نسبت به نماز و اهمیت آن احساس و نگرش خاصی پیدا می‌کنند. وقتی که کودکان از همان سنین اولیه حیاتشان بارها و بارها مشاهده می‌کنند که والدین مهربان، دلسوز و محبوب آنها، در خانه، سفر، گردش، میهمانی، کار و در هر شرایط و موقعیتی به ندای اذان و اقامه نماز بیش از هر چیز دیگر اهمیت می‌دهند و بزرگ‌ترین رسالت خود را به هنگام اذان در هر شرایطی نماز خواندن و سخن گفتن با خدا می‌دانند، بدون تردید نگرش و طرز تلقی آنها نیز نسبت به نماز چنین خواهد بود.

نقل قصه‌ها و خاطره‌های زیبا در ارتباط با اهمیت و عظمت نماز

بدون شک بیان قصه‌های لطیف و خاطره‌های زیبا و فراموش نشدنی درباره «نماز» و اهمیت آن در زندگی و استفاده بهینه از هنر نمایش در به تصویر کشیدن نگرش و رفتار پیشوایان، رهبران و الگوهای محبوب در ارتباط با نماز، می‌تواند تأثیرات بسیار مؤثر و پایداری در ایجاد بازخوردهای مطلوب نسبت به ارزش و جایگاه نماز در بین همه مردم بخصوص نوجوانان و تلطیف احساسات مذهبی آنها داشته باشد.

افزایش تجارب موفقیت آمیز کودکان در خواندن نماز

کودکان بیش از همه نیاز به تشویق و تأیید دارند. وقتی که کودکی روی زمین دراز می‌کشد و صورتش را به سجاده و مهر می‌مالد، به جای آنکه پای او را گرفته، حالتش را به صورت سجده بزرگسالان در آوریم، بهتر است همان رفتار کودکانه‌اش را تشویق و تأیید کنیم. تشویق باعث می‌شود که این رفتار مطلوب بارها و بارها تکرار شود و همراه با رشد ذهنی و حرکتی کودک زمینه یادگیری «سجده کردن» هم فراهم گردد. اگر کودک جمله‌ای و یا حتی کلمه‌ای از نماز را به زبان آورد باید او را جداً مورد تشویق قرار داد. هنگامی که کودک کلمه «الله اکبر» و یا «لااله الاالله» را بر زبان جاری می‌کند، مستحق تشویق و پاداش پدر و مادر است.

توجه به توانمندی‌های کودکان و نوجوانان در اقامه نماز

در یادگیری نماز بخصوص در مورد آنهایی که به سن تکلیف نرسیده‌اند، شایسته است توانمندی‌های کودک مورد توجه قرار گیرد، نه ناتوانی‌ها و ضعف‌های او. تأکید والدین و مربیان بر نکات مثبت رفتار کودکان سبب می‌شود که اعتماد به نفس آنها قوی‌تر شده، با احساس خودارزشمندی، انگیزه کافی و توجه بیشتر، موضوعات و مطالب مورد نظر را بهتر بیاموزند و با آمادگی و جرأت، موفق به انجام آنها شوند.

برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های زیر مراجعه فرمایید:

◀ باهنر، محمدجواد، آموزش مفاهیم دینی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۰

◀ جمعی از نویسندگان، خانواده و نماز، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران، ۱۳۷۸